

صداهای ناشنیده

مقاله‌های برتر در اجتماعات در تهران

دکتر حجت کاظمی

استادیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران

دکتر سعید عطار

استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد



سرشناسه: کاظمی، حجت
عنوان و نام پدیدآور: صداهای ناشنیده: مقدمه‌ای بر طرد اجتماعی در تهران / حجت کاظمی، سعید عطار.
مشخصات نشر: تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۱۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۸-۹۲۸-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
نوع دیگر: مقدمه‌ای بر طرد اجتماعی در تهران.
موضوع: کناره‌گزینی اجتماعی -- ایران -- تهران
موضوع: مهاجرت شهری -- ایران -- تهران -- مدیریت شهرداری -- عطار، سعید.
نشان: زودمو به نشر شهر
ردیف: ۱۳۹۴/ص ۴/ک ۱۱۳۶ HM
رده بندی یویی: ۳۰۰
شماره کتابشناختی ملی: ۳۹۶۰۸۵

صداهای ناشنیده

مقدمه‌ای بر طرد اجتماعی در تهران

نویسندگان: دکتر حجت کاظمی، دکتر سعید عطار

زیر نظر: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

طراح گرافیک: منصور میکائیلی

طراح جلد: علیرضا حصارکی

ناشر: موسسه نشر شهر

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۶۰۰ نسخه

آماده‌سازی و چاپ: موسسه نشر شهر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۸-۹۲۸-۵

بها: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

آدرس اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی:

تهران، بزرگراه شهید گمنام ابتدای بزرگراه کردستان

تلفن: ۸۲۱۰۶۰۰۰ www.farhangi.tehran.ir

آدرس ناشر: تهران، میدان آرژانتین، ابتدای بلوار آفریقا،

رو به روی پارک سوار بیبهقی، پلاک ۶

www.nashreshahr.com

مرکز چاپ: ۸۸۴۲۱۹۰۶ - ۹۱۱۲ - ۸۸۴۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی



نشر شهر

همه حقوق
محفوظ است.

اپیش گفتار

برای انسان این موجود اجتماعی، شاید دردی بدتر از این نباشد که در میان جمع باشد و دیده نشود؛ صدایش را نشنوند و او را به حساب نیاورند. طرد شدن، گرچه مال دقایق مورد قهر قرار گرفتن نیست، اما همان آثار تبعی روحی را برای فرد طرد شده در پی دارد. در واقع زمانی که فردی یا گروهی از جامعه، در زمره طردشدگان اجتماعی قرار می‌گیرند، به گونه‌ای به حاشیه رانده و منزوی می‌شوند که گویی در مبادلات زندگی جمعی سهم و نقشی ندارند و وجود و حضورشان به خودی خود مسأله است. پس دلیل کنار گذاشته شدنشان، چیزی نیست جز مسأله‌مند بودن آن!

پیامد قهر جامعه با بخشی از بدنه خود، تنها گریبانگیر طردشدگان نمی‌شود، بلکه هزینه‌های سنگینی را متوجه نهادهای اجتماعی می‌کند. گویی طردشدگان، چیزی برای از دست دادن ندارند و همین موضوع موجب می‌شود در هنجارشکنی، زیر پا گذاشتن قوانین و حقوق دیگران و اعمال رفتار خشونت‌بار، جسارت فزون‌تری داشته باشند. فزونی یافتن آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، حاشیه‌نشینی، طلاق، اعتیاد و تکدی، بخشی از وجوه بارز طرد اجتماعی‌اند اما تمام ماجرا بدین جا ختم نمی‌شود.

به همین سبب، در ادبیات نظری روان‌شناسی و علوم اجتماعی، برای تبیین خاستگاه و فرایند و پیامدهای طردشدگی، مباحثی فراوان در چارچوب دیدگاه‌ها و رویکردهایی چندگانه وجود دارد. طردشدگی در مطالعات شهری

جایگاهی ویژه دارد. روند رو به رشد شهرنشینی در چند دهه اخیر در ایران به گونه‌ای بوده که اکنون بیش از سه چهارم جمعیت ایران، شهرنشین شده‌اند. گروهی از جمعیت شهرنشین، که یا مهاجر از نقاط دیگرند و یا به دلایل آسیب‌شناسانه از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند، در حاشیه شهر و یا محله‌هایی ویژه ساکن می‌شوند که از حیث ارتباط اجتماعی، فاقد انسجام و تعامل نظام‌مند و پذیرفته شده با سایر شهروندان است. مطالعه وضعیت و شرایط زیست این گروه از شهرنشینان، برای مدیریت شهری واجد اهمیت و ضرورت است. زیرا فراهم ساختن زمینه‌های ارتقاء آنان از حاشیه‌نشینی شهرنشینی به شهروندی، موجب پیشگیری از آسیب‌ها و قانون‌گریزی‌ها و کاهش هزینه‌های نگهداشت و توسعه شهر می‌شود. از سوی دیگر، بی‌توجهی به طردش، کن، مدیریت شهر را به گونه‌ای واکنشی، و نه ابتکاری و پیشدستانه، درگیر وضعیت و شرایطی می‌کند که برون‌رفت از آن‌ها آسان نیست.

در طی یک دهه اخیر رویکرد مدیریت شهری تهران، ارتقاء جایگاه شهرداری از یک سازمان صرفاً خدماتی به سوی یک نهاد اجتماعی و فرهنگی بوده است. از جمله پیامدهای پیش‌گرفتن چنین رویکردی، رویارویی مبتکرانه و پیشگیرانه در مدیریت محله‌ها و آسیب‌های اجتماعی کلانشهر تهران بوده است. پژوهش درباره طردشدگان اجتماعی از جمله مطالعاتی است که در راستای تحقق این رویکرد الزامی بود. خوشبختانه بررسی جامع و ژرف آقای دکتر حجت کاظمی در این خصوص، که نماینده سابق اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران انجام شد، مورد استقبال مدیریت شهری قرار گرفت به گونه‌ای که در جشنواره پژوهش‌ها و نوآوری‌های شهری، طرح مطالعاتی ایشان به‌عنوان اثر نمونه در سال ۱۳۹۳ برگزیده و از آن تقدیر شد. کتاب حاضر، حاوی گزارش مطالعه یادشده است. امیدواریم مورد بهره‌گیری سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد و سودمند واقع شود.

علی اصغر محکی

مدیر کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۲۳	فصل نخست: چیستی و چگونگی طرد اجتماعی: انواع طرد و نظریه‌ها
۲۵	مقدمه
۲۶	۱. طرد اجتماعی چیست؟
۲۶	۱. ۱. تکوین مفهوم طرد اجتماعی و معنای آن
۳۲	۱. ۲. ابعاد تحلیل طرد اجتماعی
۳۵	۲. چگونه طرد اجتماعی اتفاق می‌افتد؟
۳۶	۲-۱. نظریه فقر و محرومیت قابلیتی امرتیا سن
۳۸	۲. ۲. بورديو و فرآیند طردشدگی
۴۴	۲. ۳. ورنکن و مکانیزم‌های به وجود آورنده طرد اجتماعی
۴۷	۳. گروه‌ها و قشرهای اجتماعی طرد شده
۴۸	۳. ۱. فقرای شهری
۴۹	۳. ۲. قومیت‌ها و طرد اجتماعی
۵۰	۳. ۳. وندال‌ها و طرد اجتماعی
۵۱	۳-۴. بیماران جسمی و روانی و طرد اجتماعی
۵۲	۵. زنان سرپرست خانوار و طرد اجتماعی
۵۳	۶. سالمندان و طرد اجتماعی
۵۴	۳-۷. کودکان کار و طرد اجتماعی
۵۵	۸. سدان و طرد اجتماعی
۵۹	فصل دوم: طرد اجتماعی در ایران
	پژوهش‌های علمی و وضعیت گروه‌های طرد شده
۶۱	مقدمه
۶۲	۱. منابع علمی در حوزه طرد اجتماعی
۶۲	۱. ۱. بررسی چند پژوهش نظری
۷۱	۱. ۲. منابع علمی مربوط به هشت گروه طرد شده (با تأکید بر تهران)
۱۸۷	۲. وضعیت اقشار طرد شده
۱۸۷	۲. ۱. فقرای شهری
۱۸۹	۲. ۲. قومیت‌ها

۲-۳. وندال‌ها	۱۹۲
۲-۴. بیماران جسمی و روانی	۱۹۳
۲-۵. زنان سرپرست خانوار	۱۹۵
۲-۶. سالمندان	۱۹۸
۲-۷. کودکان کار	۲۰۰
۲-۸. معتادان	۲۰۱
جمع‌بندی	۲۰۳
فصل دوم: طرد اجتماعی و مدیریت شهری تهران:	۲۰۷
۲-۱. مبانی و است‌های طردزدایی	۲۰۹
۲-۱-۱. مدیریت شهری: مسئله طرد اجتماعی	۲۱۱
۲-۱-۲. چرایی روم تو: به سرشدگان شهری	۲۱۱
۲-۱-۳. مدیریت مشارکتی و مباد اجتماعی	۲۲۲
۲-۱-۴. تدوین سیاست اجتماع شهری: راه‌های برون‌رفت از چالش‌های کلان‌شهری	۲۲۵
۲-۲. نهاد اجتماعی و تحول در شاخص‌های اجتماعی فرهنگی	۲۲۶
۲-۲-۱. طرد اجتماعی و تجربه سیاستی مدیریت در ایران	۲۲۷
۲-۲-۲. طرد اجتماعی در قوانین و برنامه‌های توسعه	۲۲۷
۲-۲-۳. طرد اجتماعی در دوره‌های مختلف مدیریت شهری	۲۳۷
۲-۳. جمع‌بندی: ضرورت طردزدایی اجتماعی در عمق	۲۶۶
۲-۳-۱. توزیع نامناسب امکانات و خدمات شهری در تهران	۲۶۸
۲-۳-۲. شاخص‌های دسترسی	۲۷۱
۲-۳-۳. خدمات اجتماعی و رفاهی	۲۷۲
۲-۳-۴. شاخص فضای سبز و فضاهای عمومی	۲۷۲
۲-۳-۵. فقدان خدمات اساسی	۲۷۲
۲-۴. طردشدگان شهری و مسائل ساختاری مدیریتی کلان‌شهر تهران	۲۷۵
۲-۴-۱. کلان‌شهر تهران و بحران کارکردی «بخش‌شهر بودن»	۲۷۶
۲-۴-۲. چالش‌های کلان مدیریت متمرکز	۲۷۸
۲-۴-۳. چالش‌های عمومی ساخت سیاسی	۲۸۳

فهرست مطالب

۲۸۴	۴-۴. حالس‌های اجتماعی و فرهنگی کلان‌شهری
۲۸۸	۴-۵. چالش‌های اقتصادی
۲۹۳	نتیجه‌گیری
۳۰۱	منابع و مآخذ

www.ketab.ir

فهرست جدول‌ها

جدول ۱. تعاریف طرد اجتماعی	۳۹
جدول ۲. خلاصه مطالعات علمی مربوط به فقرای شهری	۸۲
جدول ۳. خلاصه مطالعات علمی مربوط به قومیت‌ها	۹۸
جدول ۴. خلاصه مطالعات علمی مربوط به وندال‌ها	۱۰۹
جدول ۵. خلاصه مطالعات علمی مربوط به بیماران جسمی و روانی	۲۰
جدول ۶. خلاصه مطالعات علمی مربوط به زنان سرپرست خانوار	۱۲۲
جدول ۷. خلاصه مطالعات علمی مربوط به سالمندان	۱۲
جدول ۸. خلاصه مطالعات علمی مربوط به کودکان کار	۱۶۶
جدول ۹. خلاصه مطالعات علمی مربوط به معتادان	۱۸۳
جدول ۱۰. رشد جمعیت حاشیه‌نشین مشهد در سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵	۱۸۸
جدول ۱۱. اساس عدالت قومی	۱۹۱
جدول ۱۲. نگرانی اقام مختلف نسبت به این گزینه که «در کشور ما همه اقوام به یک چشم نگاه می‌شود»	۱۹۱
جدول ۱۳. تعداد و نسبت جمعیت سالمندان کشور (۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰)	۱۹۸
جدول ۱۴. تعداد و نسبت جمعیت سالمندان شهر تهران (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰)	۱۹۹
جدول ۱۵. مهم‌ترین شاخص‌های معیارها حقوق شهروندی و سیاست‌های ضرردرایی	۲۲۰
جدول ۱۶. توجه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به مقوله طرد اجتماعی	۲۳۶
جدول ۱۷. ریشه‌یابی مشکلات برنامه‌ریزی شهر تهران در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۴)	۲۵۱
جدول ۱۸. ارتقای شاخص‌های اجتماعی کلان‌شهر در دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۴)	۲۶۳
جدول ۱۹. تعداد مراکز موجود مربوط به شاخص خدمات و امکانات شهری	۲۷۰
در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران	
جدول ۲۰. مهم‌ترین ویژگی‌های ۲۲ منطقه شهری تهران	۲۷۴

فهرست نمودارها

- ۱۹۵ نمودار ۱. تغییرات در نرخ زنان سرپرست خانوار (۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰)
- ۲۴۸ نمودار ۲. دلایل پیشرفت نکردن امور شهرداری تهران در زمان فعالیت شورای اول از دیدگاه شهرداران وقت
- ۳۴۸ نمودار ۳. دلایل پیشرفت نکردن امور شهرداری تهران در زمان فعالیت شورای اول از دیدگاه اعضای شورای شهر تهران

مقدمه

در نیمه یکی از شب‌های تابستانی تهران و در حوالی میدان شوش، دروازه غار و بوستان خواجوی کرمانی، درحالی که بتیه شهر به سکوت فرو می‌رود، در مرکز کلان‌شهر تهران کلنی عجیب رخ می‌آورد. انسان‌هایی تشکیل شده است که غرق در اعتیاد، بیماری و فلاکت، زندگی را به خود را آغاز کرده‌اند؛ ترکیبی که در میان آن‌ها پیر و جوان، زن و مرد، کودک و بزرگسال به چشم می‌خورد. گویی به‌عنوان جزیره‌ای جدا از دیگر مردمان این شهر، به‌کار خود مشغول‌اند؛ بی‌هیچ امید و آینده‌ای، گسسته از پیوندهای اجتماعی و معریم از حمایت‌های مرسوم انسانی اجتماعی شکل گرفته است که به‌گفته مسئولان، صفحه ۱۲ شهرداری تهران، جمعیتی بین ۲ تا ۳ هزار نفر را شامل می‌شود. اعضای این کلنی نسبت به اعضای خارج از شبکه خود در هراس و بدبینی شدید به‌سر می‌برند. هراسی که هر لحظه ممکن است منتهی به تهاجمی علیه فرد غریبه شود. با ورود غریبه‌های مشکوک تعداد زیادی پا به فرار می‌گذارند و با خروج افراد غریبه، همه چیز به حالت عادی بازگشته و روند جاری از سر گرفته می‌شود. با چند گفت‌وگو به‌راحتی مشخص می‌شود که عمده افراد حاضر در این محیط تا چه میزان تنها و بی‌پناه و از

جریان اصلی زندگی شهری دور و طرد شده هستند. این اجتماع حاشیه‌ای نمونه‌ای از مصادیقی است که این مطالعه در صدد گشودن افقی به درک و تحلیل موقعیت آن‌ها در تهران به مثابه نظامی اجتماعی است. در مواجهه با چنین نمونه‌هایی این پرسش پیش رویمان قرار می‌گیرد که چگونه دانش اجتماعی می‌تواند به درکی روشمند و سیستماتیک از چنین اجتماعاتی کمک کند؟

شکل‌گیری جامعه‌شناسی به عنوان دانشی معطوف به توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی بیش از هر چیز واکنشی به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته و وجه مشخص‌تر آن، انقلاب صنعتی بود. در این میان، زایش شهرهای نو، اروپایی از عمده‌ترین نتایج انقلاب صنعتی بود که در متن خود منبع شکل‌گیری نظریه‌های جدیدی از چالش‌ها و معضلات نوپدید شد. این چالش‌ها یکی از زمینه‌های اصلی و دیرینه‌ای محرک در مطالعات روشمند جامعه‌شناسانه بود. پیدایش فقر شهری، وضعیت اسباب‌گره‌های فقیر به عنوان یکی از جلوه‌های دردناک این تحول، موضوعی برجسته انحصاراً این توجه جامعه‌شناسانه قرار گرفت؛ ولی همگام با توجه جامعه‌شناسان، پدیده فقر و گروه‌های فقیر در دایره مطالعاتی دانش اقتصاد نیز قرار گرفت؛ چرا که به دلیل مشخص پدیده فقر، موقعیت مالی ضعیف و جایگاه شکننده فقرا در نظام اقتصادی جامعه بود. از این رو، طی دو سده گذشته مسأله فقر و گروه‌های فقیر به صورتی هم‌زمان در دو حوزه دانش اقتصاد و جامعه‌شناسی به شکلی موازی بحث و بررسی شده است. بر چندتردید وجود ندارد که از چشم‌انداز سیاست‌گذارانه، دانش اقتصاد به دلیل ابزاری اصلی بحث در این حوزه و جامعه‌شناسی به عنوان دانشی معطوف به بررسی آسیب‌ها و چالش‌های اجتماعی ناشی از فقر تلقی شده است.

طی دهه‌های گذشته به آنچه سیطره رویکرد اقتصادی بر مطالعه فقر گفته می‌شود نقدهایی جدی وارد شده است. منتقدان رویکردهای درآمدی بر این باورند که این رویکردها، تک‌بعدی و کمی‌نگر هستند و به واسطه تمرکز صرف بر ابعاد درآمدی فقر، دامنه وسیعی از محرومیت‌ها نادیده گرفته شده و نسبت به ابعاد

کیفی فقر و دامنه وسیع تر گروه‌های حاشیه‌ای در جامعه بی‌توجهی صورت گرفته است. رویکردهای درآمدی، معضل محرومیت را به موضوع فقر اقتصادی تقلیل داده‌اند و از فهم مسائل کیفی تر و در نتیجه پیچیده‌تری از محرومیت، همچون تبعیض، نابرابری فرصت‌ها، فقدان دسترسی‌ها و مواردی از این دست ناتوان‌اند. تحلیل جامعه‌شناسانه از مسأله محرومیت، ضرورت گذار از برداشتی کمی از فقر و محرومیت به سوی برداشتی کیفی، چندبعدی و عمیق‌تر را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد و دامنه گروه‌های محروم را از صرف افراد درگیر فقر اقتصادی فراتر می‌برد. نظریه‌های موسوم به «طرده اجتماعی»^۱ فراورده چنین برداشت و تحلیلی از مسأله فقر و محرومیت در جامعه تلقی می‌شوند.

چنان‌که در توضیح بالا مشخص می‌شود، رویکرد طرده اجتماعی محرومیت را پدیده‌ای چندوجهی می‌داند که فراتر از کمبودهای مادی است و بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی دلالت دارد. از این دیدگاه، عوامل مختلفی وجود دارند که می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و گروه‌هایی از جمعیت را از مشارکت کامل در زندگی رایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم کنند و به حاشیه برانند. همه این عوامل در چارچوب ساختاری طرده‌کننده با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و سازوکاری را شکل می‌دهند که به سورتی نظام‌مند قشرهای مختلفی از جامعه را به حاشیه نظام اجتماعی تبدیل می‌کند. این قشرها همان گروه‌های اجتماعی هستند که این نوشتار آن‌ها را «طرده‌شمارگان» می‌نامد و می‌کوشد تا ضمن ارائه تصویری اولیه از این گروه‌ها، به ماهیت و مکانیزم طرده آن‌ها در جامعه شهری تهران بپردازد.

به این معنا، طرده‌شمارگان صرفاً گروه‌های فقیر از نظر درآمدی نیستند، بلکه طیف وسیع‌تری از گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شوند که به واسطه طیف وسیعی از محرومیت‌ها و درگیری با اشکال متنوعی از ناتوانی‌ها و کمبود مهارت‌ها، ضعف در قابلیت‌های اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی و حتی کلامی در

کلیت نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شوند و اشکال متنوعی از انزوا را تجربه می‌کنند. جلوه و نتیجهٔ مشخص طردشدگی، فقدان مشارکت کامل در حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. به این معنا درکی کیفی‌تر از محرومیت شکل می‌گیرد که مطابق آن تمام اقشار اجتماعی سطحی از طرد را تجربه می‌کنند؛ ولی تردیدی وجود ندارد که برخی گروه‌ها و اقشار، آشکالی مشخص‌تر، شدیدتر و آشکارتر از طردشدگی و انزوای ناشی از آن را تجربه می‌کنند؛ مردم انزایی که درخصوص هر یک از گروه‌ها از شکل و کیفیت خاصی برخوردار است. این کتاب در پی بحث دربارهٔ این گروه‌های طردشده و چگونگی و سازوکار حاشیه‌ای شدن آن‌ها خواهد بود.

کتاب دارای فصل است. در فصل نخست، مبانی مفهومی و چهارچوب نظری پژوهش به‌صورت دو بخش مجزا ارائه شده است. در بخش چهارچوب مفهومی، به سیر تکوین مفهوم طرد اجتماعی، شامل چهار بُعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی توجه شده و سعی شده است تا در قالب سه رویکرد فرانسوی (رویکرد همبستگی)، رویکرد انگلوساکسون (رویکرد تخصصی‌شده) و رویکرد انحصاری، پدیدهٔ چگونگی و به‌بای طرد اجتماعی به بحث گذاشته شود. در بخش مبانی نظری، به نظریه‌های مطرح در حوزه طرد اجتماعی و محدودیت‌های هرکدام از این نظریات اشاره شده است. هدف از بررسی نظریات طرد اجتماعی، درک دیدگاه‌هایی است که می‌توانند به ما در شناخت روابط و فرآیندهای مؤثر در پیدایش و گسترش پدیدهٔ طرد اجتماعی کمک کنند. طرح کلیاتی از این دست که در این نوشتار نقش مرور ادبیات موضوع را برعهده دارند، ما را آمادهٔ ورود به بحث مبانی نظری نوشتار حاضر می‌کنند. به عبارت دیگر، با مروری بر مهم‌ترین نظریات مربوط به طرد اجتماعی (یا طرد اجتماعی در جوامع شهری)، چهارچوب نظری خود را با استفاده از آن دسته از رویکردهایی شکل داده‌ایم که تناسب و انطباق بیشتری با نمونه خاص مطالعهٔ ما دارند.

تحلیل مسأله طرد اجتماعی در جامعه ایران به معنای تحلیل مسأله‌ای پیچیده در جامعه‌ای پیچیده و در حال تحول است. از این رو، ضروری است تا به موضوع طرد اجتماعی در ایران از منظری کلان‌تر و به‌شکلی دقیق‌تر توجه کنیم. برای این مهم، نیاز است تا با استفاده از نظریات «آمارتیا سن» (اقتصاددان) و «پیر بوردیو» (جامعه‌شناس) و رویکرد مکمل آن‌ها، یعنی نظریه «جان ورنکن» درباره مکانیزم‌های طرد اجتماعی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر، طرحی نظری درانداخته شود تا بتوان چهارچوبی برای تحلیل طرد اجتماعی و گروه‌های درگیر آن فراهم آورد. هر چند ارائه نظریه‌ای تلفیقی، خرد نیازمند پژوهشی مجزاست، اما در این نوشتار، طرح اولیه‌ای ارائه می‌شود که بتوان به‌شکلی کاربردی و تجربی برای رصد «صداها» ناشنیده و طرد شده در جامعه شهری استفاده شود. نظریه «فقر قابلیت» آمارتیا سن گرچه از نگاه یک اقتصاددان مطرح شده است، بسیار فراتر از رویکردهای متعارف اقتصادی مردود و می‌تواند به تلقی ما از مفهوم فقر و محرومیت غنای بیشتری بدهد. درک «بوی» از انواع سرمایه‌ها و تحلیل محروم‌شدگان یا طردشدگان به‌عنوان فشار فاقد انواع اشکال یا شکلی از سرمایه‌ها نیز به احصای طیف وسیعی از طردشدگان جامعه ایران کمک می‌کند. طرح «ورنکن» نیز سازوکارهای طردشدگی را به‌شکلی جامع‌گرا و بدون توجه قرار می‌دهد. از این رو، به‌نظر می‌رسد که این سه نظریه به‌بخش‌هایی از یک پازل واحد هستند. در اینجا از این چهارچوب به‌عنوان یک چهارم مفهومی برای شناسایی و احصای گروه‌های عمده درگیر در فرآیند طرد در جامعه شهری استفاده خواهیم کرد. تردیدی نیست که این گروه‌ها، ترکیب و شکل طردشدگی آن‌ها از ماهیت و محتوای یکسانی برخوردار نیستند و قرار گرفتن آن‌ها در کنار هم، تنها از حیث تجربه، اشکالی از تجربه طرد شدگی و فقدان مشارکت کامل در حیات شهری است. در ضمن اقبال و گروه‌های دیگری از دایره بحث ما خارج خواهند ماند.

در فصل دوم که به نوعی مرور ادبیات پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، ابتدا پژوهش‌های انجام‌شده (پایان‌نامه‌های دانشجویی در مقاطع ارشد و دکتری، کتب، مقالات علمی پژوهشی و گزارش‌های مراکز شهری) بررسی و تحلیل شده است. در این فصل، تلاش شده تا پژوهش‌های انجام‌گرفته، در نهمین هشت دسته پژوهش مربوط به افشار اجتماعی در معرض طرد اجتماعی (فقرای شهری، بیماران جسمی و روانی، زنان سرپرست خانوار، سالمندان، کودکان کار و خیابانی، وندال‌ها، معتادان و گروه‌های مهاجر قومی) دسته‌بندی شده و تحلیل بیشتری شوند. در انتهای هر کدام از این بخش‌های هشت‌گانه نیز جدول خلاصه پژوهش‌های مربوط به آن بخش آورده شده است. هدف از این کار، مروری بر مطالعات مرتبط با موضوع مورد بحث پژوهش و استفاده از آن‌ها برای ارائه تصویری از وضعیت افشار طردشده در تهران است. بخش دوم این فصل نیز گزارشی مختصر درباره وضعیت هشت قشر اجتماعی طردشده را ارائه کرده است. به دلیل فقدان نظام آوری دقیقی در خصوص افشار اجتماعی، تلاش شده تا ابتدا از منابع درجه اول (مراکز رسمی) و سپس از منابع درجه دوم (گفته‌های مقامات رسمی و داده‌هایی خبری) که از چند منبع تأیید شده‌اند) استفاده شود. این پژوهش از همان ابتدا بر پایه تولید داده‌های جدید و یافته‌های خاص خود درباره این گروه‌ها بود؛ ضروری نبود که نویسندگان از همان آغاز به لزوم آن آگاه بودند؛ ولی به سبب محدودیت‌های مالی امکان آن فراهم نیامد و به آینده موکول شد. علی‌رغم این مسئله، تلاش شده تا بر اساس اطلاعات و داده‌های موجود گزارشی از وضعیت این گروه‌ها ارائه شود. در فرآیند مطالعه معطوف به نگارش این فصل بیش از هر چیزی به کمبود و فقدان اطلاعات موجود در خصوص گروه‌های آسیب‌دیده از فرآیند طرد در تهران پی بردیم. بی‌تردید بدون تولید و انباشت تدریجی اطلاعات مستند در خصوص هر یک از گروه‌های در حال مطالعه، زمینه درکی کلی از گروه‌های طردشده وجود نخواهد داشت.